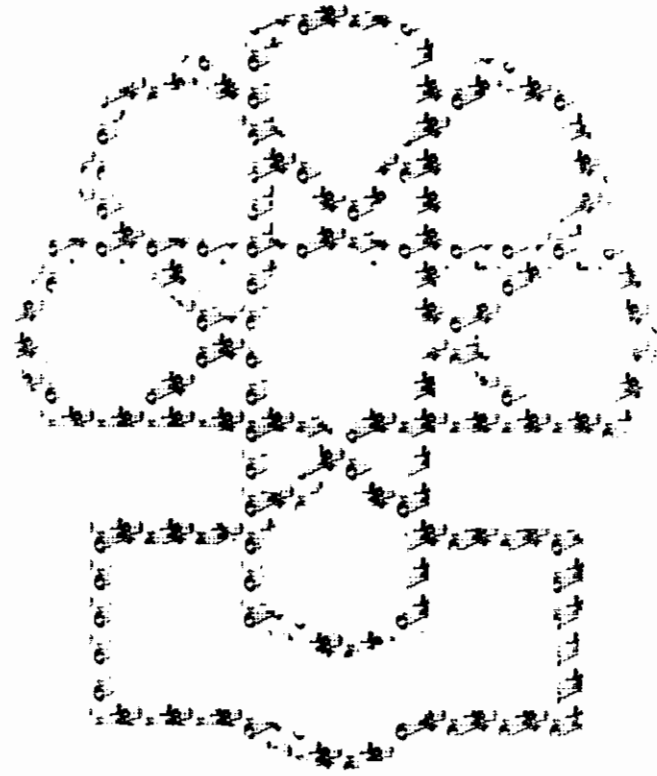


بحشی در باب روز جهانی قدس



معاونت پژوهشی
بهمن ۱۳۷۷

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۴۲۴۱

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و کتابخانه ملی
شماره: ۱۰۳۷۵
تاریخ: ۷۸ / ۲ / ۵

بسمه تعالی

بحثی در باب روز جهانی قدس

کد گذارش: ۴۱۰۴۲۴۱

مقدمه

سبحان الذي اسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي باركنا حوله. سوره اسراء، مکی است و در شرایطی بر پیامبر نازل شده که هنوز کعبه در اختیار مشرکان بود و پیامبر و پیروان اندکش مورد آزار و تعقیب آنان بودند و معبد قدس هم نزد آنان بی اهمیت بود. خداوند بر این دو مکان نام مسجد نهاد و در آن شرایط خبر از حاکمیت مؤمنین بر این دو مکان داد. مسلمانان با پیروزی بر قریش و فتح مکه، کعبه را از وجود بت‌ها پاک کردند و آن را مسجد خدا قرار دادند و در عهد خلیفه دوم، قدس به تصرف مسلمانان درآمد و معبد قدس نام قرآنی مسجد الاقصى را گرفت.

ذکر نام این دو مکان شریف در کنار هم نشان از یک راز و رمز الهی دارد. خداوند بر معبد قدس نام مسجد می‌گذارد و آن را قرین مسجد الحرام قرار می‌دهد. این نشان از تقدس نسبت به این مکان دارد. خداوند ابراهیم و نوط را به این ارض مبارک رهنمون می‌سازد و عقیده توحیدی ابراهیمی در اینجا پا می‌گیرد و ابراهیم (ع) از این مکان، به سوی حجاز حرکت می‌کند و در آنجا بیت... الحرام را بنا می‌گذارد. تاحلقه اتصال قدسی بین این دو مکان به وجود آید. روزی ابراهیم از قدس به سوی حجاز سیر می‌کند و دیگر روز پیامبر اکرم (ص) از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصى برده می‌شود.

این سیر متناوب شیخ الانبیاء ابراهیم و خاتم الانبیاء محمد (ص) یک نقشه و حرکت الهی است که فقط بر اساس اراده ذات اقدس الهی صورت گرفته، چرا که خداوند آن را به خودش نسبت داده است.

«و نجیناه (ابراهیم) و لوطاً الى الارض التي باركنا فيها للعالمين»^۱ و «سبحان الذي اسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى...»^۲

از اینجا معلوم می‌شود که ارتباطی دقیق بین این دو مکان برقرار است، یک روح در دو مکان است. «و قضینا الی بنی اسرائیل فی الكتاب لتفسدن فی الارض مرتین و لتعلن علواً کبیراً»^۳

ما به بنی اسرائیل خیر دادیم که شما در زمین دو بار به فساد خواهید پرداخت، زیرا که در پی تمکن و سلطه و بزرگی هستید.

از این آیه بر می‌آید که استعان و افساد یهود در زمین است، نه در یک منطقه خاص. در عهد رسول خدا نخستین افساد یهود به وجود آمد، آنان با نقض پیمان، قصد نابودی پیامبر را داشتند و اگر اراده خداوند تعلق نمی‌گرفت، قدرت و شوکت یهود، با توجه به هم‌پیمانان آنان از قبایل عرب و قریش، از بین رفتنی نبود، خداوند در سوره حشر می‌فرماید:

هو الذي اخرج الذين كفروا من اهل الكتاب من ديارهم لاول الحشر ما ظننتم ان يخرجوا و ظنوا انهم

۱. انبیاء، ۷۱-۶۱.

۲. اسراء، ۱۰۷.

۳. اسراء، ۴، ۱۷.

مانعتهم حصونهم من الله فاتيهم الله من حيث لم يحتسبوا و قذف في قلوبهم الرعب يخربون بيوتهم بايديهما و ايدى المؤمنين فاعتبروا يا اولى الابصار.^۱

براساس اين آيه، قوم يهود گمان نمي کردند که روزی به دست مسلمانان شکست بخورند و مقهور مسلمين شوند. به اين ترتيب نخستين توطئه يهود نقش بر آب شد. آيه ۵ سوره اسراء اشاره به نابودی و توطئه يهود دارد.

«فاذا جاء وعد اوليها بعثنا غنيمك عباد الله اولى باس شديد فجاؤا خلال الديار و كان وعد الله مفعولاً». بدین ترتيب يهوديان پس از فساد بار اول از برابر مسلمانان منهزم و در سطح جهان پراکنده شدند.

فصل ۱- تشکیل دولت صهيونستی فساد دوم

فساد دوم بني اسرائيل از قرن نوزدهم شکل جدی به خود گرفت. در اين زمان عده‌ای از يهوديان اروپا قدرت و نفوذی کسب کردند و جنبش صهيونيسم را با الهام از کلمه صهيون - که به معنای حکومت خدا و نام کوهی بر فراز شهر تل آویو می‌باشد - با آرزوی سکونت در آن مکان، بنیان نهادند. سران اين حزب مانند هرترزل نویسنده «تاریخ يهود» در اتریش و «بنسکر» نویسنده کتاب «خودمختاری»، يهوديان اروپا را متوجه خود ساختند و پس از تهیه مقدمات اولين کنگره صهيونستی جهان را در کشور سوئیس تشکیل دادند.

۱-۱- جنبش صهيونيسم

جنبش صهيونيسم به منظور تحقق اهداف خود به دنبال سرزمینی برای اسکان يهوديان و تشکیل دولت می‌گردد. برای تأسیس یک دولت اسرائیلی مقدماتی لازم بود.

الف- با مراجعه به کتاب تورات و کتاب‌های تاریخی يهود (از جمله یوشع، شموئیل و شاهان) و مدد گرفتن از آیات تحریف شده و تفسیر قشری و صهيونستی به حرکت خود نقش تقدس دادند. در سفر پیدایش آیه ۱۲ از باب هفتم، خداوند خلافت و مالکیت سرزمینی را به ابراهيم یعنی نیای بزرگ و عده داده است. در اين وعده حتی مکان دقیق اين مالکیت بر زمین ذکر شده است. «در آن روز خداوند با ابرام در اینجا عامل سرزمین عهد بست و گفت اين زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم یعنی نهر فرات به نسل تو بخشیده‌ام».

هرترزل در اطلاعیه ۱۸۴۱ يهوديان اهل چارلستون با عبارت: «فلسطين ما، خاک مقدس موعود ما، اين خانه خدا، معبد ماست» حرکات نژادپرستانه و افکار صهيونستی را بر پایه دین استوار می‌سازد. در حقیقت برداشتی قشری از کتاب مقدس را به ابزار یک سیاست مبدل می‌سازد و به آن سیاست رنگ قدسیت می‌بخشد. شایان توجه است که هرترزل - بنیان‌گذار صهيونيسم سیاسی - ابتدا داعیه مذهب نداشت و هم او تشکیل دولت يهود بود. حتی در ابتدا سرزمین مقدس مکان خاصی نبود و برای هدف‌های ناسیونالیستی اش اوگاندا، قبرس، آرژانتین، موزامبیک یا کنگو تفاوتی نمی‌کرد. بعدها با توجه به مخالفت دوستان يهودی مسلکش اعلام می‌دارد:

«فلسطين میهن تاریخی فراموش ناشدنی ماست..... اين نام به تنهایی، فریاد اتحاد توانمندی برای مردم ما

تواند بود».

جالب توجه است که از همان ابتدا عده‌ای از بزرگان یهود برداشت صهیونیسم سیاسی را قبول نداشتند. در کنفرانس مونترال سال ۱۸۹۷ که در امریکا برگزار شد، بنا به پیشنهاد اسحاق مپروایز - شخصیتی که پیش از هرکس نماینده یهودیان امریکای آن زمان بود - لایحه‌ای به تصویب رسید که دو قرائت از تورات را از اساس در برابر یکدیگر قرار می‌داد. قرائت سیاسی و قبیله‌ای صهیونیسم و قرائت معنوی و عالم‌گرای نبیاء را.

«ما هر ابتکاری را که سمت و سوی آن ایجاد یک دولت یهود باشد، به تمامی رد می‌کنیم. ابتکاراتی از این نوع درک مغلوطنی از رسالت اسرائیل را... که انبیای یهود، نخستین منادیان آن بودند آشکار می‌سازد... ما برآنیم که هدف یهودیت نه سیاسی و نه ملی که معنوی است... چشم‌انداز آن یک دوران مسیحایی است که در آن تمامی آدمیان تعلق خویش را تنها به یک امت بزرگ باز خواهند شناخت. تا سلطنت خداوند را بر زمین مستقر نمایند».

عامل دیگری که سران صهیونیسم از آن سود بردند اسطوره «قوم برگزیده» بود. یهود ادعا می‌کند که تنها قوم مورد توجه و برگزیده خداست و توجهات خاص خداوند به او تعلق گرفته است و دست به هر عملی که بزند حتماً خواست خداوند در آن کار بوده است. در سفر خروج باب ۴ آیه ۲۲ چنین آمده است:

«اسرائیل پسر من و نخست زاده من است».

ب- استفاده از شرایط تاریخی جنگ جهانی دوم و برخورد آلمان نازی با یهودیان که به صورت اسطوره کشتار ۶ میلیون یهودی مطرح گردید.

واقعیت این است که قبل از مطرح شدن کشتار یهودیان، بر اثر تبلیغات کلیسا و مسائل دیگر، نفرتی عمومی نسبت به این قوم در اروپا وجود داشت. «میشله» مورخ فرانسوی می‌گوید: «یهودی بدبخت و تحت تمام صور بدبختی است». بدین ترتیب حرکت‌های ناسیونالیسم افراطی در بین اروپاییان و به خصوص آلمانی‌ها شدت گرفته و موج یهودی ستیزی در آن کشورها رو به گسترش بود.

برای از بین بردن نفرت مردم اروپا از یک سو و توجیه اعمال آتی سردمداران صهیونیسم از سوی دیگر سناریوی یهودکشی هیتلر طراحی و دستمایه‌ای قوی برای تشکیل دولت ملی یهود گردید.

۱-۲- اسطوره کشتار یهودیان

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این مسئله که به شدت تحریف شده و مورد غنوغ واقع گردیده با هماهنگی جریان صهیونیسم بین‌المللی و با هدف فراهم نمودن کوچ اجباری تمامی یهودیان اروپا به سرزمین‌های فلسطین انجام پذیرفته است.

تبلیغات وسیع بر روی این کشتار و تلقین نمودن تلقی خاصی از این کشتار که همانا «کشتار و قربانی نمودن یهودیان» در جریان جنگ جهانی دوم این فرصت را برای صهیونیسم بین‌المللی فراهم آورد که اعلام نماید:

«ایجاد دولت اسرائیل، پاسخ خداوند به قربان بزرگ است».

شواهد بسیار زیادی در دست است که نشان می‌دهد این تراژدی غم‌انگیز به این صورت تحریف شده امکان وقوع نداشته است. یعنی کشتار بیش از ۶ میلیون برای تنها یک اردوی آشویتس - بیرکناو.

بر طبق آخرین آمار رسمی و تأیید شده رقم اعلام شده برای کشتار اردوگاه آشویتس - بیرکناو از ۴ میلیون نفر به ۱ میلیون نفر کاهش و اصلاح گردید. اما صهیونیسم بین‌المللی هنوز هم به تکرار رقم ۶ میلیون یهودی قلع و قمع شده اصرار می‌ورزد و تمایزی ندارد که به واقعیات بین‌المللی گردن نهد. نکته قابل توجه این که در جریان جنگ جهانی دوم حدود ۲۰ میلیون نفر کشته شدند که فقط ۱۷ میلیون نفر آن مربوط به شوروی می‌باشد. اگر بخواهیم کشتاری را به نسل کشی تعبیر نماییم علی‌الاصول باید این کشتار را مطرح نمود. یعنی حتی اگر عدد مجعول صهیونیسم بین‌المللی را بپذیریم که واقعیات بسیار کمتر از آن را نشان می‌دهد باز هم در شوروی نیز بیش از دو و نیم برابر این رقم توسط نازی‌ها کشته شدند ولی کسی از آن به نسل کشی تعبیر نمی‌نماید. زیرا کسی اهداف و اغراض سیاسی ویژه‌ای را از این جریان دنبال نمی‌کند. حتی اگر اعداد عجیب و غریب صهیونیسم را بپذیریم فقط حدود ۱۰ درصد از کشته‌های جنگ جهانی دوم را یهودیان تشکیل می‌دهند و ۹۰ درصد را ملیت‌های دیگر. از جمله فقط ۹ میلیون نفر آلمانی در این جنگ کشته شدند. اما کسی اشاره‌ای به نسل کشی در مورد سایر کشته‌ها ندارد.

شواهد نشان می‌دهد که استفاده مکرر از این کلمه یعنی «نسل کشی» با هدف خاصی صورت گرفته است و چنانکه ذکر شد این که «خداوند در عوض نسل کشی یهودیان که در جریان جنگ دوم جهانی اتفاق افتاد و باعث قتل و آوارگی و بی‌خانمانی یهودیان گردید. سرزمین اسرائیل را به آنان پاداش داد تا آنان را که قومی مقدس بودند از آوارگی نجات دهد».

حاصل کلام این که قرائن تاریخی نشان می‌دهد که سنطه هیتلری و جنگ خانمانسوز نازیسم چیزی غیر از یک یهودکشی بود و یهودیان نمی‌توانند تنها قربانیان بلکه دست کم اصلی‌ترین قربانیان این جنگ باشند. آن‌طور که نوعی از تبلیغات صهیونیستی سعی در جا انداختن آن دارد. تبلیغاتی که از طرفی سعی در ترسانیدن یهودیانی که حاضر نبودند از اروپا به سرزمین دیگری کوچ کنند داشت و از طرفی دیگر زمینه را برای مظلوم‌نمایی و شستشوی اذهان جهانیان جهت اشغال یک سرزمین دیگر آماده می‌نمود.

۱-۳- «سرزمین بدون مردم» برای یک «مردم بدون سرزمین»

صحنه بعدی سناریوی از پیش طراحی شده صهیونیسم بین‌المللی که تا آن زمان موفق به کشتار پاره‌ای از یهودیان برای ترساندن بقیه آنها و وادار نمودن اجباری آنها به مهاجرت نموده بود، پیدا نمودن سرزمینی برای این مردم بدون سرزمین بود.

فرصت به دست آمده پس از جنگ دوم و فروپاشیدن حکومت عثمانی این زمینه را به خوبی فراهم ساخت.

بدین ترتیب که در مراحل ابتدایی و با یک برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده مبادرت به خرید سرزمین‌های فلسطین از شیوخ ثروتمند و بی‌تعهد که مالک این سرزمین‌ها بودند نمودند و اندک اندک سایر قطعات غیرقابل فروش که صاحبان آنها راضی به فروش نمی‌شدند رانیز به زور یا حيله و نیرنگ متصرف شدند. در مراحل بعدی برای این که نشان دهد این سرزمین‌ها واقعاً مالکی نداشته است سرزمین‌های خریداری شده یا به زور تصرف شده را با خاک یکسان نمودند و سپس «گلدامایر» اینچنین اعلام می‌نماید که:

«خلق فلسطین وجود ندارد... این طور نیست که ما آمده باشیم که آنها را پشت در بگذاریم و زمین‌های شان را از آنان بگیریم. ایشان وجود ندارند».

ماهیت کار صهیونیسم در این مرحله به حدی کثیف و سراسر از دروغ بود که حتی بعضی از اندیشمندان یهودی که هنوز انصاف و وجدان خویش را به صهیونیسم بین‌المللی نفروخته‌اند، به شدت این کارها را محکوم نمودند و سعی در اعلام این جنایت به جهانیان داشته‌اند.

پروفسور اسرائیل شاهاک در کتاب نژادپرستی دولت اسرائیل می‌نویسد:

«برای این که یاورانند که، پیش از اسرائیل، فلسطین یک «بیابان» بود، صدها روستا را، با خانه‌های شان، با حریه‌های شان، با گورستان و گورهای شان، از دم تیغ بولدوزر گذراندند».

در مرحله بعدی، تئوری سرزمین بزرگ مقدس را تبلیغ نمودند و شروع به تصرف سرزمین‌های جدیدی نمودند و ساکنان آن را به زور اخراج می‌نمودند. نگاهی به روند گسترش جمعیت یهود در سرزمین فلسطین می‌تواند بسیار جانب‌باشد. در سال ۱۹۴۷، در آستانه تأسیس دولت اسرائیل، در فلسطین، از یک جمعیت یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفری، ۶۰۰ هزار نفر یهودی بودند و مابقی یعنی ۶۵۰ هزار نفر عرب. به فاصله یک سال پس از تشکیل دولت فلسطین یعنی در سال ۱۹۴۹، این جمعیت اخراج‌گردیده و فقط ۱۶۰ هزار نفر باقی ماندند.

اما همین جمعیت ۱۶۰ هزار نفری تا سال ۱۹۷۰، مجدداً به ۴۵۰ هزار نفر تبدیل گردیدند. اتحادیه حقوق بشر اسرائیل فاش می‌نماید که دولت اسرائیل برای جلوگیری از رشد جمعیت عرب که زاد و وند سریعی داشتند از ۱۱ ژوئن ۱۹۶۷ تا ۱۵ نوامبر ۱۹۶۹، بیش از ۲۰ هزار خانه اعراب در اسرائیل و در کرانه غربی رود اردن را با دینامیت منفجر و ویران نموده است و به جای آن برای برهم زدن ترکیب جمعیتی شروع به ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین نموده است. روزنامه لوموند در ۱۸ آوریل ۱۹۹۱ به نقل از یک روزنامه اسرائیلی می‌گوید:

«از سال‌های هفتاد به بعد هرگز چنین شتابی در امر ساختمان در این قلمروها نبوده است. آریل شارون وزیر مسکن اسرائیل با هیجان بسیار، در کار استقرار قرارگاه‌های جدید، توسعه آنهایی که از پیش وجود دارند و ساختن جاده‌ها و آماده‌سازی عرصه‌های جدید برای ساختمان است».

سیاست شهرک‌سازی جدیداً با سرعت بیشتر در مورد بیت‌المقدس اجرا می‌گردد. هدف از این گونه عملیات برهم زدن ساختار جمعیتی این شهر و در انزوا قرار دادن مسلمانان می‌باشد. به طوری که در چند سال گذشته ۱۷ شهرک در خارج از بیت‌المقدس و ۱۵ شهرک در داخل بیت‌المقدس شرقی ساخته شده است. بر طبق آمار در بیت‌المقدس شرقی در سال ۱۹۶۷ حتی یک یهودی ساکن نبود اما الان حدود ۱۵۰ هزار نفر یهودی در این قسمت سکونت دارند. به موازات آن اعراب ساکن این منطقه به زور مجبور به مهاجرت شده‌اند.

۴-۱- سیطره صهیونیسم بر رسانه‌های جهانی

صهیونیست‌ها با نقشه‌کشی و زمینه‌سازی‌های درازمدت بر رسانه‌های فراگیر جهان سیطره یافتند. طبق این برنامه صهیونیست‌ها با شستشوی مغز مردم جهان، به ویژه مردم امریکا و اروپا چهره خود را از افرادی خبیث، مکار، آزمند، خونریز و ترسو به صورت اشخاص شجاع، نابعه، دریای پشتکار و آزمانگرا و

هوشمند جلوه دهند.

در سال ۱۸۶۹ راشورون - خاخام یهودی - در سخنرانی خود در شهر پراگ پیرامون اهمیت رسانه‌ها در نظر یهودیان گفت: «اگر طلا نخستین قدرت ما برای سیطره بر جهان است، مطبوعات باید دومین قدرت ما باشد».

در بند دوازدهم پروتکل رهبران صهیونیست که به عنوان قطعنامه نخستین کنگره صهیونیسم در سال ۱۸۹۷ صادر شد آمده است:

«تمام کانال‌هایی (منظور رسانه‌هاست) که بازگو کننده اندیشه‌هاست باید به طور کلی در دست ما باشد».

«ادبیات و مطبوعات، مهم‌ترین و قدرتمندترین کانال‌های تبلیغاتی و آموزشی است و باید زیر سیطره ما باشد».

«دشمنان نباید رسانه‌ای در اختیار داشته باشند که به وسیله آن اندیشه‌های خود را بروز دهند. در غیر این صورت باید عرصه را چنان بر آنان تنگ کنیم که نتوانند از طریق این رسانه به ما حمله کنند».

«هیچ خبری به هیچ کجا درز نمی‌کند مگر این که ما اجازه داده باشیم. برای دستیابی به این خواسته باید بر رسانه‌های خبری - که تعدادشان در جهان کم است - سیطره داشته باشیم. در آن صورت تنها خبرهایی که ما انتخاب می‌کنیم به گوش جهانیان می‌رسد».

بد نیست اشاره شود که تهاجم تبلیغاتی صهیونیست‌ها برای زیباسازی چهره خود در نزد افکار عمومی جهان، با یک تهاجم تبلیغاتی دیگر برای نازیبا جلوه دادن چهره اعراب و مسلمانان همراه بود. این تهاجم هم‌زمان دو سمت به خود گرفت. سمت نخست، قصد داشت تاریخ اسلام را مسخ کند و خطر این دین را به مسیحیان اروپا و امریکا گوشزد کند. سمت دیگر، تبلیغات صهیونیست‌ها این بود که اعراب را به عنوان مردمی عقب افتاده، شهوت طلب معرفی کنند و آنان را مردمی نشان دهند که عواطف انسانی سرشان نمی‌شود و جهل و نادانی بر آنان غالب است.

باید گفت که صهیونیست‌ها در این زمینه تا حد زیادی به اهداف خود رسیدند و اکنون افکار عمومی امریکا و اروپا با عینکی که آنان برایشان تهیه کرده‌اند به مسلمانان نگاه می‌کنند.

۱-۵- فساد دوم محکوم به شکست است

صهیونیسم با حمایت استکبار و تکیه بر تبلیغات دروغین، حيله و نیرنگ و خشونت فلسطین را اشغال نمود و بر مقررات برخی از کشورهای اسلامی و عربی نیز حاکم گردید. در این راستا پاپ و دستگاه کلیسا هم با به فراموشی سپردن اختلافات تاریخی مسیحیت و یهود به کمک صهیونیسم آمد. در حالی که به تصریح اناجیل موجود، اشخاصی با داشتن مقام رسمی مورد پذیرش همه یهودیان به عنوان نمایندگان کل قوم یهود حکم اعدام مسیح (ع) را صادر کردند. در ژوئن ۱۹۸۵ کمیسیون روابط مذهبی با یهودیت - تشکیلاتی که تحت سرپرستی دبیرخانه اتحاد مسیحیان اداره می‌شود - پس از ۳ سال کار و کوشش مداوم با زیر سؤال بردن صحت اناجیل و احتمال دست بردن افراد مغرض در آن به محکومیت تاریخی یهود پایان داد و بیانیه‌ای برای زمینه سازی شناخت رسمی اسرائیل صادر کرد.

هم اکنون صهیونیسم با در اختیار گرفتن خبرگزاری‌های عمده جهانی، ثروت بالا و حمایت‌های امریکا و هم پیمانان امریکا فتنه بزرگی در عالم برپا کرده و با وارونه جلوه دادن حقایق چهره‌ای حق به جانب گرفته

است. متأسفانه بسیاری از غربیان تصور می‌کنند که مبارزان فلسطینی و لبنانی خشن، تروریست و مخالف صلح هستند. آن قدر تبلیغات اثر گذاشته که اصل تجاوز و غصب را پوشانده است. انگار که سرزمینی بی‌صاحب و بدون مردم در انتظار مهاجرینی بوده که از دیرباز به این سرزمین تعلق داشته‌اند.

رژیم غاصب مشکئی از جانب کشورهای عربی احساس نمی‌کند و موفق به نفوذ در بسیاری از این کشورها شده است. دیگر سران عرب به دنبال محور اسرائیل یا حتی مقابله با آن نیستند. بلکه ترجیح می‌دهند از در صلح و سازش وارد شوند و به تجارت پردازند. رژیم صهیونیستی از طریق ترکیه به مرزهای جمهوری اسلامی - عمق استراتژیک مبارزه با صهیونیسم - رسیده است. در جبهه مسلمانان و اعراب پراکندگی و چند دستگی به چشم می‌خورد و صهیونیسم خود را شکست‌ناپذیر تصور می‌کنند. اینها نشان از تکرار تاریخ و اوج‌گیری فتنه دارد. قرآن می‌فرماید:

«ان احستتم احستتم لانفسکم و ان اساتم فلها، ماذا جاء و عد الاخره لیسوا و جوهکم و لیدخلوا المسجد کما دخلوه اول مرة و لیتبروا ما عنوا تتبراً».

پیروزی انقلاب اسلامی نویدبخش شکست فتنه و فساد دوم است. نوید ورود به مسجد برای بار دوم داده شده است.

امروز جوانان فلسطین و لبنان با ناامیدی از سران خیانتکار و باتمسک به اسلام مبارزه بزرگی بر علیه اشغالگران آغاز کرده‌اند که امنیت و خواب راحت را از دشمن گرفته است. اگرچه تلاش زیادی نمودند که با مهاجرت فلسطینی‌ها و تغییر هویت آنان مسئله فلسطین را برای همیشه به دست فراموشی سپرند ولی چهره‌های مبارز با الگو گرفتن از انقلاب اسلامی ایران و حمایت‌های رهبر و ملت ایران و چراغی فراوی یافته و به حرکت خود شدت بخشیده‌اند.